

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

2.29v



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد

پایان نامه

جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته مطالعات زنان

عنوان:

بررسی رابطه جنبش زنان و جنبش اصلاحات

در ایران ۱۳۸۴ - ۱۳۷۶

استاد راهنما

دکتر جمیله کدیور

دانشجو

سپیده حدادی مرندي

آبان ۱۳۸۶

۱۳۸۶



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد

پایان نامه
جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد
رشته مطالعات زنان

عنوان:

بررسی رابطه جنبش زنان و جنبش اصلاحات
در ایران ۱۳۸۴ - ۱۳۷۶

کتابخانه مرکزی
دانشگاه الزهراء (س)

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۱۱

استاد راهنما
دکتر جمیله کدیور

استاد مشاور
دکتر محبوبه پاکنیا

دانشجو
سپیده حدادی مرندی

آبان ۱۳۸۶

فهرست مطالب

چکیده

فصل اول: کلیات

- ۱-۱ مسئله پژوهش ۲
- ۱-۲ پرسشهای پژوهش ۴
- ۱-۳ اهداف پژوهش و ضرورت آن ۴
- ۱-۳-۱ هدف کلی: بررسی رابطه ی جنبش زنان و جنبش اصلاحات در ایران ۵
- ۱-۳-۲ اهداف پژوهش ۵
- ۱-۴ فرضیه های پژوهش ۶
- ۱-۵ تعریف مفاهیم ۶
- جنبش اجتماعی ۶
- جنبش اجتماعی زنان ۸
- جنبش اصلاح طلبی ۹
- ۱-۶ زمینه ی پژوهش ۱۱
- معرفی مقالات ۱۴
- نقد ادبیات ۱۶
- نهاد یا موسساتی که می توانند از یافته های این پژوهش بهره گیرند ۱۸
- ۱-۷ روش تحقیق ۱۹

۲۰	۱-۸ چهار چوب نظری تحقیق.....
۲۰	نظریه جنبش های جدید اجتماعی.....
۲۱	ویژگیهای جنبش های جدید.....
۲۴	الن تورن Tourrain.....
۲۹	مانوئل کاستلز.....
۳۲	حقوق زنان (لیبرال- سوسیالیست).....
۳۲	فمینیسم فرهنگی.....
۳۳	فمینیسم ذات گرا.....
۳۴	فمینیسم همجنس گرا.....
۳۵	فمینیسم عملگرا.....

فصل دوم: جنبش اصلاحات، اهداف، برنامه ها

و دستاوردها

۳۸	مقدمه.....
۳۸	۲-۱ تعریف جنبش اصلاحات.....
۳۸	۲-۱-۱ تعریف لغوی اصلاحات.....
۳۹	۲-۱-۲ تعریف ماهوی اصلاحات.....
۳۹	۲-۱-۳ جنبش اصلاحات در ایران.....
۴۳	۲-۲ ماهیت و هویت.....

۲-۳	هویت حاملان	۴۶
۲-۴	اهداف جنبش اصلاحات	۵۰
۲-۵	دشمن جنبش اصلاحات	۵۵
۲-۶	دستاوردها	۵۷
	نتیجه گیری	۶۰

فصل سوم: بررسی عملکردها و اقدامات دولت اصلاحات

در رابطه با زنان

	مقدمه	۶۵
۳-۱	خاتمی و زنان	۶۵
۳-۲	بررسی عملکرد و دستاوردهای دولت از خلال اسناد رسمی	۷۶
۳-۲-۱	عملکرد مرکز امور مشارکت زنان	۷۶
۳-۲-۲	دستاوردها	۸۴
	نتیجه گیری	۹۴

فصل چهارم: جنبش زنان؛ ویژگیها، آثار و دستاوردها

	مقدمه	۹۸
۴-۱	تلقی "جنبش" از فعالیت زنان؟	۹۸
۴-۲	ویژگیهای جنبش (حرکت) زنان در ایران در عصر اصلاحات	۱۰۷
۴-۳	رابطه‌ی جنبش زنان با بدنه	۱۱۲

۴-۴	هویت حاملان و فعالان جنبش زنان ایران در سالهای ۷۶-۸۴.....	۱۲۰
۴-۴-۱	زنان اصلاح طلب	۱۲۴
۴-۵	اهداف و خواسته های جنبش زنان در سالهای ۷۶-۸۴ (عصر اصلاحات).....	۱۲۷
۴-۶	دشمن	۱۳۰
۴-۷	یافته ها و دستاوردها از نگاه اصلاح طلبان.....	۱۳۳
	نتیجه.....	۱۳۵

فصل پنجم: بررسی رابطه جنبش زنان و جنبش اصلاحات

و عوامل موثر بر آن

	مقدمه.....	۱۴۰
۵-۱	عوامل موثر بر رابطه جنبش زنان و جنبش اصلاحات	۱۴۲
۵-۱-۱	عوامل درونِ زا	۱۴۲
۵-۱-۱-۱	نقش زنان و خواسته های آنان در به وجود آمدن فضای اصلاح طلبی	۱۴۲
۵-۱-۱-۲	آثار تفکرات نواندیشی دینی بر مسائل زنان	۱۴۸
۵-۱-۱-۳	نقش فعالان جنبش زنان در ایجاد حساسیت و مسئله نمودن بحث زنان در عصر اصلاحات	۱۵۴
۵-۱-۲	عوامل برونِ زا	۱۵۸
۵-۱-۲-۱	نقش فشارها و روندهای بین المللی در تصمیمات دولت اصلاحات.....	۱۵۸

۲-۵ جنبش اصلاح طلبی جنبشی مذکر یا فراگیر؟ ۱۶۵

۳-۵ نوع ارتباط جنبش اصلاحات و جنبش زنان ۱۶۸

نتیجه ۱۷۳

فصل ششم: نتیجه گیری

مقدمه ۱۷۶

۱-۶ فصل ها و محتوای آنها ۱۷۷

۲-۶ فرضیه ها و نتایج ۱۸۲

فرضیه ۱ ۱۸۲

فرضیه ۲ ۱۸۳

فرضیه ۳ ۱۸۳

فرضیه ۴ ۱۸۴

فرضیه ۵ ۱۸۴

۳-۶ مشکلات و پیشنهادات ۱۸۵

فهرست منابع ۱۸۷

کتاب ۱۸۷

مقالات ۱۸۹

پایان نامه ها: ۱۹۲

چکیده:

دهه‌ی ۷۰ دهه‌ای پر تلاطم در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران بوده است. از اوایل دهه‌ی ۷۰ اعتراضات و تحرکاتی در میان بخشی از حاکمیت و توده مردم وجود داشت که نتیجه‌ی آن در انتخابات ریاست جمهوری خرداد سال ۷۶ به پیروزی کاندیدای منجر شد که کمتر کسی گمان می کرد در بازی قدرت برنده شود ولی رای بیست میلیونی مردم به وی (سید محمدرضا خاتمی) نشان داد خواسته های عمیقی برای تغییر و اصلاح در مردم ایران وجود دارد. در این میان جنبش زنان ایران که از سالهای پیش شکل گرفته بوده است و در دهه های ۶۰-۷۰ با سرکوب و طرد و کناره گیری فعالان و خواسته هایشان مواجه شده بود، چه نسبتی می توانست با جنبش اصلاح طلبی ۷۶ و اتفاقات بعد از آن داشته باشد؟ زنان چه نقشی در به وجود آوردن آن داشتند؟

پایان نامه ی حاضر در ۵ فصل و با شناخت چستی، ماهیت حاملان، اهداف، ویژگیها و دستاوردهای هر کدام از دو جنبش زنان و جنبش اصلاحات در قالب تعاریف جنبش های جدید اجتماعی، نمایی را برای توضیح رابطه ی دو جنبش ترسیم کرده است. روش تحقیق مورد استفاده در این رساله شامل ترکیبی از دو روش اسنادی - کتابخانه ای و روش میدانی است. ۲۸ نفر از فعالان سیاسی - اجتماعی کشور در قالب ۳ گروه (اصلاح طلبان مسلمان، اصلاح طلبان ملی - مذهبی و اصلاح طلبان مستقل - سکولار) طی مصاحبه‌ی عمیق به سوالات تحقیق که متناسب با فرضیات مطرح شده بود پاسخ دادند. با توجه به نتایج بدست آمده، کیفیت رابطه ی جنبش زنان و اصلاحات در فاصله‌ی زمانی سالهای ۷۶-۸۴ به یک میزان نبوده است و دارای افت و خیزهایی است (تایید فرضیه اول)، اهداف جنبش زنان متعدد و - متکثر است و در فاصله‌ی سالهای ذکر شده دستاوردهای آن بنا به دلایلی بسیار کمتر از پیش بینی های فعالان جنبش زنان می باشد (تایید فرضیه دوم) از دیگر سو زنان اصلاح طلب مسلمان با توجه به فضای حاکم بر جنبش اصلاحات بیشتر از سایر فعالان (مستقل - سکولار، ملی - مذهبی) توانایی و امکانات پیگیری خواسته های جنبش زنان را داشتند ولی به علت پاره ای از مسائل نخواستند و نتوانستند نماینده - ی اقشار مختلف زنان در پی گیری خواسته هایشان باشند (رد فرضیه سوم) بسیاری از مطالبات و خواسته های زنان جز در فضای دموکراتیک و جز از طریق نهادهای مدنی تحقق نمی یافت، از طرفی برقراری دموکراسی به عنوان یکی از اهداف جنبش اصلاحات بدون در نظر گرفتن زنان و خواسته های آنها به عنوان نیمی از جامعه امکان پذیر نبود بنابراین زنان و فعالان جنبش زنان برای رسیدن به خواسته های خود در مقاطعی با جنبش اصلاحات همگام شده اند. (رد فرضیه چهارم)

علی رغم تلاشهای فعالان جنبش زنان به علت وجود ساختارهای مردسالارانه در ایران مردان اصلاح طلب، زنان و مسائل آنها را جزء «ما»ی هویتی خود قرار ندادند و بدنه ی حکومتی جنبش اصلاحات (برخلاف بدنه ی مردمی آن) همچنان مذکر باقی ماند (تایید فرضیه پنجم).

فصل اول

کلیات

مطالعه ی جنبشهای اجتماعی یکی از زمینه های مطالعاتی علوم اجتماعی، جامعه شناسی، علوم سیاسی و در این اواخر میان رشته ای تحلیل گفتمان است. در این میان یکی از مسائلی که در مطالعه ی روند شکل گیری، اوج و سرانجام جنبشهای اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد؛ رابطه یک جنبش اجتماعی با جنبش های اجتماعی دیگر واقع شده در یک دوره ی زمانی است. این جنبش ها می توانند هم عرض و هم جهت یا متفاوت و مخالف باشند. نحوه تعاملات سیاسی، تاثیر گذاریهای فرهنگی، روابط حزبی و... می تواند نمودهای رابطه ی دو جنبش اجتماعی هم زمان باشند.

فکر ترقی، سازندگی، توسعه، عمران و خلاصه اصلاح گرایی در ایران خاستگاهی دیرینه دارد و اندیشه ی جدیدی نیست. ایرانیان به مثابه یکی از پر تحرک ترین جوامع جهان سوم از ابتدای سده نوزدهم همواره به نو ساختن خود می اندیشیده اند. نو اندیشی سیاسی فرایندی نا پایدار و زود گذر نیست، بلکه جوهره ای مانا دارد و از خصلت جهانشمول بهره می برد. سازو کار برنامه اصلاحی نمی تواند انتزاعی و ذهنی گرا باشد بلکه نیازمند حضور مردم و ورود آنان به صحنه مشارکت سیاسی از طریق سازماندهی کنش های ایشان است و این مهم در قالب جنبش ها پدید می آید که متاخر ترین این جنبش ها در ایران جنبش اصلاحی خرداد ۷۶ (جنبش اصلاحات) است. خواست نوسازی سیاسی و اجتماعی در متن جامعه می جوشد و توسط کاندیداهای موافق این خواست (نخبگان) به عرصه سیاسی کشانده می شود و به این طریق "نه" ی مردم به تمامیت خواهی سیاسی متبلور می شود.

از دیگر سو از دیر باز همراه با فعالیت های اصلاح طلبانه، زنان نیز با وجوهی مشترک یا متفاوت با این فعالیت ها واکنش نشان داده اند. زنان در ایران، همچون دیگر جوامع در معرض تبعیض جنسیتی بوده و هستند. تبعیض هایی که در عرصه های مختلف مشهود و قابل تعمق و تأمل است و قوانین رسمی و فرهنگ پدرسالار از آن حمایت کرده و آن را باز تولید می کند. در این میان جمعی از زنان (معمولا طبقه ی متوسط شهری) نسبت به این تبعیض - آگاهانه یا نا آگاهانه - واکنش نشان داده، از آن رنج می برند و خواهان تغییر این وضعیت هستند. تعدادی از زنان و مردان با این تبعیض مخالف هستند و عده ای نیز گامی عملی برداشته و به صحنه مبارزه وارد شده اند. به اعتقاد برخی تحلیلگران مسایل اجتماعی اگر منظور از جنبش وجود تشکل سازمان یافته با اهداف و برنامه ای مشخص است این واکنشها و آگاهیها و گامهای عملی را نمی توان جنبش نامید. اما با گذشت زمان و افزایش سطح آگاهی زنان، حرکت های پراکنده و ناهماهنگ آنان منسجم تر و سازمان یافته تر شده و اهداف مشخصی پیدا کرده است که با تعریف جنبش های جدید اجتماعی همخوانی دارد و اهداف فرهنگی تر و راههای دستیابی (به اهداف) مسالمت آمیزتری را دنبال می کنند. جنبش زنان در سراسر دنیا در طی تاریخ پر فراز و نشیب خود رابطه هایی گاه سست و گاه قوی با جنبشهای هم دوره ی خود داشته است. آنچه مطالعه ی رابطه ی جنبش زنان با سایر جنبشهای هم دوره، را جلوه می بخشد این است که در غالب موارد وضعیت و موقعیت جنبش زنان در بر پا کردن اعتراضات اجتماعی دو وجهی است. همپایی و در عین حال حفظ استقلال و هویت جنبش زنان که گاه به سمت انزوا و گاه به سمت حل و هضم در جنبش بزرگتر منجر شده است. در ایران نیز جنبش زنان در مقاطع مختلف روابطی با دیگر گروههای اجتماعی داشته است. در این پژوهش سعی بر آن می رود رابطه ی جنبش زنان با جنبش اصلاحات از زوایای متفاوت مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱ پرسشهای پژوهش:

۱- جنبش زنان و جنبش اصلاحات چه نسبتی با هم داشته اند؟ چه تاثیراتی از یکدیگر گرفته اند و چه

تاثیراتی بر هم گذاشته اند؟

۲- دستاوردهای جنبش زنان در زمان اقتدار جنبش اصلاحات (دولت اصلاحات) چه بوده؟

۳- آیا جنبش زنان (با شناخت نیازها) استقلال هویتی خود را حفظ نمود یا در جنبش دولتی

فراگیر (اصلاحات) هضم و یا به انزوا کشیده شد؟

۴- آیا جنبش زنان اصلاحات را مسیر مناسبی برای طرح در خواست های خود در نظر

داشته است؟

۵- آیا جنبش اصلاحات، زنان و خواسته های آنان را در محدوده ی "ما" ی هویتی در نظر داشته است؟

۳-۱ اهداف پژوهش و ضرورت آن:

جنبش اصلاحات و به تبع آن دولت اصلاحات در ابتدای شکل گیری به اقشار حاشیه ای جامعه توجه

ویژه ای نشان داد که اهم این اقشار شامل جوانان و زنان می شود. این جنبش با شعار "ایران برای همه ی

ایرانیان" نگاهها را متوجه آن بخش از جامعه کرد که در عین حضور، نادیده و سرکوب شده باقی مانده

بودند. جنبش زنان نیز که تا این مقطع به صورت کم نمود و آهسته به فعالیت می پرداخت از این فضا

استقبال نموده و وارد گفتمان اصلاحات شد.

اما موضوع به اینجا ختم نشد. این رابطه (جنبش زنان و جنبش اصلاحات) در مدت حدود ۸ سال آغاز

فعالیت جنبش اصلاحات تا پایان ریاست جمهوری محمد خاتمی، پیچیدگی های خاص خود را به همراه

داشت. اکنون پس از گذشت حدود ۲ سال از به پایان رسیدن اقتدار جنبش اصلاحات و پیروزی کاندیدای

رقیب به جاست که به علل، چگونگی، انگیزه، تاثیر پذیری و تاثیر گذاری در جنبش وسایر ابعاد وجوهی رابطه ی جنبش زنان ایران و جنبش اصلاحات در ایران نگاهی دقیق تر شود.

۱-۳-۱ هدف کلی:

بررسی رابطه ی جنبش زنان و جنبش اصلاحات در ایران.

۱-۳-۲ اهداف جزئی:

۱- شناخت نسبت جنبش اصلاحات و جنبش زنان در ایران .

۲- معرفی دستاوردهای هر دو جنبش در این رابطه.

۳- شناخت هویت‌های بر ساخته دو جنبش و رابطه ی آن .

۱-۴ فرضیه های پژوهش:

۱- میزان و ماهیت (کیفیت) ارتباطات و تعاملات دو جنبش اصلاحات و زنان از ابتدا تا انتهای اقتدار

جنبش اصلاحات یکسان نبوده است .

۲- دستاوردهای جنبش زنان پس از خروج دولت اصلاحات از قدرت ، کمتر از پیش بینی ها و برنامه ریزی

های نخبگان این جنبش (زنان) بوده است

3-خواسته های جنبش زنان توسط نمایندگان این جنبش در دولت اصلاحات پیگیری نمی شود بلکه این زنان اصلاح طلب مذهبی بودند که - به نمایندگی از تمام اقشار زنان - خواسته های آنها را دنبال می کردند.

4-جنبش زنان ایران بین خود و جنبش اصلاحات سنخیت یا تناسبی ندیده اند که با این فرایند همگام شوند

5-جنبش اصلاح طلبی - با ادعای جنبش متکثر و چند صدایی - نتوانست اهداف و مطالبات جنبش زنان را شناسایی کند و با نخبگان این جنبش رابطه ی موفقی برقرار سازد.

5-1 تعریف مفاهیم

جنبش اجتماعی:

جنبش اجتماعی را می توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تامین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد. (گیدنز، ۱۹۸۹)

جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دست یابی به هدفهای خاص به گروهبندی و تشکل اعضا می پردازد. آنچه که اصولاً جنبش اجتماعی را می سازد، متقاضی و مدعی بودن آن است (گروشه، ۱۹۶۹)

به اعتقاد رودلف هبرل، جنبش اجتماعی تلاش جمعی برای دستیابی به مطالباتی مطرح به ویژه تغییر در نهادهای اجتماعی مشخص است.

هریت بومر، جنبش اجتماعی را "اقداماتی جمعی" به منظور ایجاد نظامی نوین در زندگی دانسته است

الف ترمز ولوئیس کیلیاننیز در تعریف جنبش اجتماعی می گویند؛ جمعی در حال عمل اجتماعی همراه با انسجامی مبنی بر ایجاد تغییر یا مقاومت در برابر آن، در کل جامعه یا در گروهی که آن جمع متعلق به آن است.

جنبش اجتماعی بر اساس موجودیت نوعی بی عدالتی و نا برابری در جامعه شکل می گیرد. جنبش دارای منافع یا اهدافی است و دارای برنامه ای برای تحقق این اهداف و درعین حال دارای یک ایدئولوژی مشخص (اعزازی، زنان شماره ۸۸)

جنبش باید دارای هدف، تداوم، بیان نمادین، هویت گروهی مداوم، خاطره ی جمعی و نیز رهبری ای باشد که از فرایند عمل جمعی برخاسته باشد و نه از جریان رسمی سیاسی (جلائی نائینی، زنان، ۱۰۳)

جنبش اجتماعی اقدامی مبتنی بر برخورد آگاهانه اعضای شرکت کننده نسبت به تضييع حقوق خود و تحرکی هدفمند و سازمان یافته است (شادی طلب، زنان شماره ۸۹)

با توجه به متعدد بودن تعاریف جنبشهای اجتماعی وجه اشتراک آنها داشتن هدف و تلاش برای رسیدن به این هدف است هر اقدامی که در این راستا انجام می شود باعث ایجاد نوعی تغییر در نظم اجتماعی گذشته می گردد. براین اساس به نظر می رسد تعریف ارائه شده در فرهنگ آکسفورد جامعیت بیشتری نسبت به سایر تعاریف دارد.

"جریان یا مجموعه ای از کنش ها و تلاشهایی که به شکلی کم و بیش پیوسته به سمت هدف خاصی حرکت میکنند یا به آن گرایش دارند." (فرهنگ آکسفورد)

جنبش اجتماعی زنان :

- واکنش زنان - آگاهانه یا ناآگاهانه - نسبت به نوعی بی عدالتی و نابرابری در جامعه

(اعزازی، زنان، شماره ۸)

- جنبش زنان کنش هایی واقعی و کنش گرانی هستند که حول محور شکاف های جنسیتی گرد

آمده اند (عباسقلی زاده، زنان، شماره ۱۰۲)

- جنبش زنان به آن کوشش های فمینیستی گفته می شوند که حداقل از چهار ویژگی جنبش

اجتماعی برخوردار باشد. بدین معنی که اول موقعیت و شرایط زندگی زنان نسبت به مردان تبعیض آمیز

باشد. دوم این تبعیض ها توسط گفتمان فمینیستی تبیین شده و راههای برون رفت از آنها تا حدودی نشان

داده شود. سوم، سازمان ها و شبکه های غیر دولتی و مستقل زنان شکل گرفته باشد و چهارم، زنان قادر باشند

برای تحقق مطالباتشان صدای اعتراض خود را به گوش دولت و نهادهای مدافع تبعیض برسانند (جلایی

پور، ۱۳۸۱)

در مجموع میتوان گفت: جنبش زنان شامل واکنشهای زنان نسبت به موقعیت تبعیض آمیز خود است،

درک این موقعیت تبعیض آمیز در میان فعالان جنبش زنان به صورت آگاهانه و همراه با نوعی دانش

فمینیستی است و در میان توده ی زنان به عکس العملهایی برای بهتر کردن شرایط زندگی منتهی میشود

جنبش اصلاح طلبی:

- جنبش اصلاح طلبی اساسا حرکتی توده ای است. اما مجموعه ای از چند گروه سیاسی که قدر مشترک

همه آنها اصلاح طلبی است. قبل از انتخابات خرداد ۷۶ دست به اقدامات مشترکی زدند که به موجب آن

نامزدی که برنامه ها و شعارش با خواست توده همسوئی داشت به پیروزی رسید. (بازخوانی جنبش اصلاح

طلبی - ۱۲/ عمل تک صدایی/ ادعای چند صدایی، محمود فاضلی بیرجندی)

- مجموعه ای که اعضایش در نارضایتی از شیوه هایی سنتی کشور داری و ضرورت اتخاذ شیوه های نوین

و روز آمد با دیگران مشترکند (بازخوانی جنبش اصلاح طلبی - ۱۲/ عمل تک صدایی/ ادعای چند صدایی،

محمود فاضلی بیرجندی)

- جریان اصلاحات دنباله طبیعی و سالم حرکت مردم ایران به رهبری امام خمینی در بهمن سال ۱۳۵۷ است

؛ اصلاحات با توجه به شعارهای دوم خرداد تعریف می شود. قانون گرایی، مردم سالاری، حقوق

شهروندی، توسعه سیاسی فرهنگی، اصلاحات در ساختارها و سازوکارهای نظام و مسائلی چون عدالت

اجتماعی (فاطمه راکعی)

- اصلاحات بر آیند برخورد سنت از سویی و مدرنیته از سوی دیگر است و بر اثر تعارض بین این دو روند

در نهایت مدرنیته بر سنت پیروز می شود و این خودش نوعی از اصلاحات است. (صدر الدین موسوی -

سر دبیر روزنامه ایران تایمز)

- اصلاحات رساندن جامعه از حالت نامناسب به حالتی مطلوب و متوازن است برای رسیدن به یک رابطه ی

معقول و متناسب و کاهش ناسازگاریهای جامعه (جهانبخش خانجانی - مدیر اسبق روابط عمومی وزارت

کشور)

- اصلاحات بر داشتن گامهای بلند در حوزه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. تغییر و

تحولات بر خاسته از اصلاحات به دلیل عدم بر آورده شدن آن در گذشته به وجود آمده است. (صادق زیبا

کلام)

اصلاح طلبی افرادی از نحلّه های متفاوت اندیشه سیاسی ویر آمده از خاستگاههای اجتماعی مختلف هستند که به علت نبود سازمان یا تشکیلاتی منسجم دچار پراکندگی بوده و در فواصل مختلفی از یکدیگر به سر می برند. (رویه ی اصلاحات به نظر داریوش سجادی-روانکاوی جنبش اصلاح طلبی ایران)

جریان اصلاح طلبی، یک جنبش اجتماعی از پایین به بالاست. یعنی فشار افکار عمومی به هژمونی سیاسی برای تصحیح رفتارهای خود و انطباق آن با خواست های مردم.

با توجه به تعاریف فوق می توان جریان اصلاح طلبی را اعتراض و نه ی مشترکی دانست از سوی توده ی مردم و بخشی از حاکمیت به شیوه ی اداره ی جامعه و معوق ماندن خواسته های آنها از انقلاب اسلامی به بعد، که در دوم خرداد ۱۳۷۶ و در انتخاب "خاتمی" به عنوان رئیس جمهور با یکدیگر تلاقی پیدا میکنند .

۶-۱ زمینه ی پژوهش

نقد و بررسی ادبیات پیشین پژوهش در این مجال کمی مشکل می نماید چرا که رساله و یا کتابی که رابطه دوشق مورد مطالعه ی این پایان نامه (جنبش زنان و جنبش اصلاحات) را با یکدیگر بسنجد کمتر یافت شد. به این ترتیب به بررسی اجمالی برخی منابع مربوط می پردازم:

پایان نامه "بررسی جنبش اجتماعی زنان از مشروطه تا کنون" که در سال ۱۳۸۳ نگاشته شده است (حسین رنجبر).

سوالات اصلی تحقیق: ۱- خواستگاه فمینیسم در ایران چه سالی است؟

۲- خواستگاه جنبش زنان در ایران چه سالی است